

## بررسی فقهی اذن زوج در تحمل و ادای شهادت زنان

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 - 1477

نمایه در ISC، SID، Noormags، Magiran،

GoogleScholar، Ensani

[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

سال ۲، شماره ۸، صفحات ۱۳۲-۱۰۷

خلیل اله احمدوند

استادیار گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

فائزه آهنگر نژاد

دانش آموخته کارشناسی ارشد الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

**چکیده:** اذن یکی از نهاد های مهم فقهی و حقوقی است که در بسیاری از ابواب فقهی و نوشته های حقوقی مورد بحث قرار گرفته است. به موجب آیه ۳۴ سوره نساء و ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در رابطه با زوجیت، ریاست خانواده از آن شوهر است. از این رو انجام برخی امور زوجه به اذن و رضایت زوج منوط است و از برخی فعالیت های زوجه بدون اذن و رضایت زوج منع شده است لذا در این پژوهش سعی بر آن شده تا با روش توصیفی-تحلیلی، مسأله «اذن زوج در تحمل و ادای شهادت زنان» مورد تحلیل قرار گیرد که آیا تحمل و ادای شهادت زنان از اموری است که اذن زوج در انجام آن ضرورت دارد یا خیر؟ یافته های حاصل از این پژوهش نشان می دهد که تحمل و ادای شهادت واجب کفایی است. اذن زوج در انجام واجبات کفایی زوجه لازم است اما زمانی که تحمل و ادای شهادت بر زن واجب عینی شود در اجتماع بین دو واجب عینی تراحم به وجود می آید و ملاک اقوی و اهم مقدم می شود و یا اجتماع امر و نهی به وجود می آید که در صورت عدم جواز اجتماع، اگر وجوب شهادت مقدم بر وجوب اطاعت از زوج باشد شهادت بدون اذن صحیح است و اگر نهی مقدم شود در این صورت زن مرتکب معصیت شده و شهادت او باطل است. اما در صورت جواز اجتماع امر و نهی اگر زن بدون اذن زوج تحمل و ادای شهادت نماید مرتکب معصیت شده اما شهادت او صحیح است.

واژگان کلیدی: اذن زوج، تحمل شهادت، ادای شهادت، تراحم ادله

**طبقه بندی JEL:** طبقه بندی موضوعی مسأله اصلی تحقیق. این طبقه بندی از سایت [http://www.jaml.ir/article\\_251235.html](http://www.jaml.ir/article_251235.html) قابل استخراج است. ضمناً برگردان فارسی این طبقه بندی در سایت فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، در قسمت "برای نویسندگان" به آدرس [http://www.jaml.ir/article\\_251235.html](http://www.jaml.ir/article_251235.html) موجود می باشد.

## ۱- مقدمه

موضوع اذن زوج همواره یکی از موضوعات بحث بر انگیز میان فقهاء بوده است. در حقوق خانواده مسأله ریاست و سرپرستی، نخستین مطلبی است که مبنا و پایه ی موضوعات بسیاری قرار گرفته است. براساس ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی که برداشتی از نصوص شریعت اسلامی به ویژه آیه ۳۴ سوره نساء می باشد ریاست خانواده از ویژگی های مرد معرفی شده که به لحاظ این ویژگی حقوقی برای مرد و تکالیفی برای زن حاصل می شود. از این رو برخی از فعالیت های زوجه باید با اذن و رضایت از زوج صورت گیرد و انجام برخی امور عبادی یا غیر عبادی زوجه بدون اذن و رضایت زوج منع شده است لذا معنای لزوم اذن در موارد تعیین شده این است که صحت شرعی برخی از اعمال عبادی زوجه متوقف بر اذن و رضایت زوج است و موجب اباحه اعمال غیر عبادی می شود که انجام آنها به اذن و رضایت زوج منوط است.

از آنجایی که انسانها ممکن است در جریان زندگی اجتماعی خود بر سر حقوق و منافع که دارند گاهی اوقات به علل مختلف در استفاده از حقوق مورد نظر با یکدیگر دچار اختلاف و مشکل شوند؛ بنابراین لازم است درصدد احقاق حق و اثبات ادعای خود برآیند. شهادت یکی از ادله اثبات دعوی در محاکم قضایی است و به عنوان یکی از ادله استوار در اثبات حق، ادعا یا رد آن مورد پذیرش فقها و حقوقدانان بوده است.

در این پژوهش با بررسی اموری که در فقه اسلام، انجام آنها به اذن شوهر منوط شده است موضوع «اذن زوج در تحمل و ادای شهادت زنان» مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است که آیا در تحمل و ادای شهادت زنان به مانند سایر واجبات عبادی یا غیر عبادی که انجام آنها به اذن زوج منوط است، اذن زوج ضرورت دارد یا خیر؟

## مبحث اول: مفاهیم و تعاریف

### مفهوم اذن

از مطالعه و بررسی کتاب های لغت چنین برداشت می شود که واژه اذن از نظر لغوی در معانی مختلفی به کار می رود که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود.

الف) اعلام: (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۱). چنان که قرآن کریم می فرماید: «فَأَذْنُوا بحرب من الله و رسوله». (بقره، ۲۷۹).

ب) اباحه و رخصت: (ابن منظور، ۱۴۱۰، ص ۱۰۵). چنان که قرآن کریم می فرماید: «فانكحوهن باذن اهلهن» (نساء، ۲۴).

ج) امر و فرمان: چنان که قرآن کریم می فرماید: «نَزَّلَهُ عَلَي قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۹۷).

بعضی دیگر از فرهنگ نویسان معتقدند که واژه اذن در قرآن در معانی مختلفی از جمله: اجازه، اراده و علم نیز به کار رفته است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۶).

در اصطلاح فقها اذن معانی مختلفی دارد که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

1. اذن، برطرف نمودن مانعی است که قانونگذار برای آن اثری مترتب می کند. (عبدالناصر، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۲۲).

2. اذن، رخصت دادن و برداشتن مانع یا اعلام رضایت به آن است. (غروی اصفهانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۳۱).

3. اذن، برطرف نمودن منع و حجری می باشد که معلول رقیّت یا صغر سن است. (زیلعی، بی تا، ج ۵، ص ۲۳).

### مفهوم شهادت

شهادت از فعل ثلاثی مجرد «شَهِدَ يَشْهَدُ شُهُوداً و شَهَادَةً» گرفته شده است. واژه شهادت اگر بدون حرف اضافه به کار رود به معنای ادراک و حضور است و اگر با حرف اضافه «علی» استفاده شود معنای آن خبر قطعی است. (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۹۴).

راغب اصفهانی بیان می کند: «شهادت را به معنای حضور و گواه بودن به طریق مشاهده و دیدن با چشم و یا به طریق تأمل

و بصیرت معنا نموده است و می گوید: شهادت به معنای مشاهده اولی می باشد». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۶۵).

در صحاح شهادت به معنای خبر قاطع آورده شده است ظاهراً منظور از آیه « مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ » بقره، (۱۴۰) همین معنا است.

صاحب جواهر می فرماید: «شهادت شرعاً یعنی خبر دادن قطعی از حقی که از آن دیگری است و آن حق لازم است و از جانب شخصی است که حاکم نیست». (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۷).

مرحوم میرفتاح در تعریف آن آورده است: «شهادت اخبار از روی علم در خصوص امر متعلق به غیر است». (حسینی، ۱۴۱۷، ص ۶۵۱).

شهیدثانی نیز در تعریف شهادت می فرماید: «اخبار همراه با جزم و اطمینان از وجود حقی لازم برای غیر شاهد که از جانب شخصی غیر از حاکم صورت گیرد. (شهیدثانی، ۱۴۱۹، ص ۱۵۳).

### مفهوم تحمل شهادت

تحمل از ریشه ی « حَمَلَ » است. علمای اهل لغت تحمل را به معنای شفاعت خواهی آورده اند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۷۶). دکتر آذرتاش آذرنوش تحمل را در معنای پذیرش مسئولیت آورده است. (آذرتاش، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲).

صاحب فقه الاسلامی و ادلته تحمل را چنین تعریف کرده است:

تحمل الشهاده عبارة عن فهم الحادثة و ضبطها بالمعاینه أو بالسمع: متحمل شدن شهادت عبارت است از فهمیدن حادثه ای و ضبط آن بوسیله دیدن یا شنیدن. (زحیلی، ۱۴۲۰، ص ۵۵۸).

### مفهوم اداء شهادت

«اداء» مصدر ثلاثی مجرد است. راغب اصفهانی در مفردات آن را به مفهوم دادن حق تمام در یک دفعه آورده است. اما در

قاموس، «ادا» را مطلق رساندن و قضا کردن معنا کرده است. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۶).

مجمع البحرین « ادا » را به معنای مطلق رساندن می داند. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۳). اما در قرآن مجید « ادا » تنها در مورد دادن حق بکار برده شده است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۴).

### مبحث دوم: شهادت حق است یا تکلیف؟

جهت شناخت ماهیت شهادت، لازم است ابتدا حق و تکلیف تعریف شوند. به بررسی واژه حق و تکلیف می پردازیم:

گفتار اول: تعریف حق

فقها و علمای علم حقوق در تعریف حق، تعبیر متعددی ذکر کرده اند. بعضی از فقها حق را چنین تعریف نموده اند:

«حق امری است اعتباری که برای کسی (له) و بر دیگری (علیه) وضع می شود». (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۶).

بعضی از حقوقدانان در تعریف حق گفته اند:

«حق عبارت است از توانایی و امتیازی که حقوق هر کشور به اشخاص می دهد تا از مالی به طور مستقیم استفاده کنند یا انتقال مال و انجام دادن کاری را از دیگری بخواهند». (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۲۶۶).

گفتار دوم: تعریف تکلیف

در مقابل حق، حکم شرعی قرار دارد که توسط شارع در مقام قانونگذاری انشاء می شود و درمعنای تکلیف گفته اند؛ آن مجعول شارع است که باید عیناً از جانب افراد رعایت شود و شامل احکام تکلیفی و آن دسته از احکام وضعی است که افراد نمی توانند برخلاف آنها با هم توافق کنند. (محقق داماد، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۲).

فقهای شیعه شهادت دادن را تکلیف دانسته و ادای شهادت را واجب می دانند. بارزترین اثر حق یا تکلیف بودن شهادت این

است که اگر شهادت حق باشد، شاهد می تواند از ادای شهادت امتناع کند و دادگاه نیز نمی تواند شاهد را به اداء شهادت اجبار نماید به این دلیل که اشخاص در اعمال نمودن یا اعمال ننمودن حق خود دارای اختیار هستند لکن اگر ادای شهادت تکلیف محسوب شود، شاهد باید از نظر دادگاه تبعیت کند و هر زمان که دادگاه بخواهد قادر است شاهد را برای ادا نمودن شهادت احضار کند و گواه نیز مکلف به ادای شهادت هستند.

### مبحث سوم: ادله وجوب شهادت

#### الف) آیات

«... 1- وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ: (طلاق، ۲). و شهادت را برای خدا بر پا کنید. در این آیه از شاهد برای تحمل و ادای شهادت دعوت شده که برای خدا شهادت بدهید و شاهد را از استنکاف و ورزیدن از تحمل و ادای شهادت منع می کند.

« 2- وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ: (معراج، ۳۳). و کسانی که برای شهادت به حق قیام می کنند؛ این آیه یکی از ویژگی های مؤمنان و قیام کنندگان به نماز را اقدام کردن به ادای شهادت بیان نموده است.

« 3- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ اللَّهِ: (نساء، ۱۳۵). ای اهل ایمان! به عدالت قیام کنید و به خاطر خدا شهادت دهید. این آیه ادای شهادت را قبل از فروعات قسط ذکر نموده است برای اینکه بیان کند که ادای شهادت از فروعات قسط محسوب می شود. و به واقع مفهوم آیه این گونه است، در راه خدا شاهد باشید و این امر برای شما مقدور نیست مگر پس از آنکه اقامه کننده به قسط باشید. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۸۷).

« 4- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ: (مائده، ۸). ای اهل ایمان! برای خدا قیام کنید و شهادت عادلانه دهید. این آیه مؤمنان را نهی می کند از ظلم در ادای شهادت در صورتی که ادای شهادت آنها به قصد دشمنی شاهد نسبت به شخص مشهود علیه باشد. بنابراین شهادت را مختص به قسط نموده است.

#### ب) روایات

روایات صحیحی وجود دارد که با استناد بر آنها می توان به وجوب ادای شهادت پی برد.

« 1- عن يزيد بن سليط عن أبي الحسن موسى بن جعفر ع في حديث النص على الرضا ع انه قال: و إن سُئِلت عن الشهادة فأدأها فإن الله يقول ان الله يامرکم أن تؤدّوا الاماناتِ إلى أهلها و قالَ و من أظلمُ ممّن كتم شهادة عندهُ مِنَ اللَّهِ. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۷، ص ۳۱۴).

«امام رضا(ع) می فرماید: اگر کسی از تو درخواست شهادت دادن نمود، برای او شهادت بده زیرا خداوند متعال فرموده: خدا به شما امر می کند که امانت ها را به صاحبان آنها بازگردانید و می فرماید: چه کسی ستمکارتر از کسی که شهادت خدا را که نزد اوست کتمان کند.»

براساس این روایت شهادت امانتی است که لزوماً باید ادا شود و اگر به هر دلیلی در انجام و ادای آن کتمان صورت گیرد خداوند لقب ظالم و ستمگر به چنین فردی می دهد. روشن است که این روایت ادای شهادت را مانند رد امانت می داند. بنابراین می توانیم وجوب ادای شهادت را از وجوب رد امانت استنباط نماییم.

« 2- عن جابر عن أبي جعفر ع قال رسول الله(صلى الله عليه و آله و سلم) من كتم شهادة أو شهد بها ليهدر بها دم امرئ مسلم أو ليزور بها مال امرئ مسلم أتى يوم القيامة و لوجه ظلمه مد البصر و في وجهه كدوح يعرفه الخلائق باسمه و نسبه من شهده شهادة حق ليحيى بها حق امرئ مسلم أتى يوم القيامة و لوجه نور مد البصر يعرفه الخلائق باسمه و نسبه ثم قال أبو جعفر ع ألا ترى أن الله تعالى يقول و أقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۲۷۶).

جابر نقل می کند از امام محمد باقر که پیامبر اکرم(صلى الله عليه و سلم) فرمودند: کسی که کتمان شهادت کند یا به گونه ای شهادت دهد که به موجب آن خون مسلمانی هدر رود یا مالی از او تباہ گردد در روز قیامت در حالی می آید که برای

چهره اش به اندازه ای که چشم کار می کند تاریکی و در صورتش خراش است. همه خلائق او را با نام و نسبش می شناسند. هر کس شهادت حقی بدهد تا حق مسلمانی را زنده کند یا خونش را حفظ نماید در روز قیامت در حالی می آید که بر چهره اش به اندازه ای که چشم کار می کند نور است و خلائق او را با نام و نسبش می شناسند. پس از آن امام باقر علیه السلام فرمود: آیا نمی بینی که خداوند تبارک و تعالی فرمود که شهادت را برای خدا به پا دارید.

این روایت نیز وجوب ادای شهادت را اثبات می کند. به دلیل اینکه خداوند به شهادت دادن امر کرده است و از کتمان شهادت نهی نموده است.

و دیگر اینکه در این روایت، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جایگاه کتمان کننده و ادا کننده شهادت را نشان می دهد که خود دلیلی بر وجوب ادای شهادت است.

3- الحسن بن علی العسکری علیه السلام فی تفسیره عن أمير المؤمنين عليه السلام فی قوله تعالى: «وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذًا مَا دُعُوا» قال: «من كان في عنقه شهاده فلا يأب إذا دعي لإقامتها، وليقّمها، و لينصح فيها، و لا تأخذ فيها لومه لائم، و ليأمر بالمعروف و لينه عن المنكر». (همان، ص ۲۲۸).

امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر خود از حضرت علی علیه السلام روایت می کند که ایشان درباره ی قول خداوند متعال که می فرماید: «گواهان نباید زمانی که از آنها دعوت به اقامه شهادت می کنند، امتناع نمایند.» می فرماید: «هر کس که شهادتی بر گردن او باشد زمانی که از او برای آن استدعا می شود نباید امتناع کند، و باید آن را برپا دارد، و نسبت به آن خیرخواه باشد و تحت تاثیر سرزنش سرزنش کننده ای قرار نگیرد و باید امر به معروف و نهی از منکر کند.»

4- فی (عقاب الأعمال) عم رسول الله (ص) قال فی حدیث: «و من رجع عن شهادته أو كتمها أطمعه الله لحمه على رؤوس الخلائق، و يدخل النار و هو يلوک لسانه». (الحر العاملي، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۵۳).

در عقاب الاعمال از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که در حدیثی می فرماید: «هر کس از شهادت خود رجوع کند یا آن را کتمان کند خداوند گوشت او را در انظار خلائق به او می خوراند. داخل آتش می شود در حالی که زبانش را می جود.»

ادله فوق به وضوح، وجوب و لزوم شهادت و اهمیت آن را بیان می کنند.

لذا اگر شاهدهی بنا به درخواست و دعوت از او شهادت را تحمل نموده باشد و همینطور درخواست ادای شهادت از او شده باشد بدون شک اقامه شهادت بر او لازم و واجب خواهد شد. در این مورد اتفاق نظر وجود دارد و اختلافی در آن نیست بلکه اجماع قطعی و ضروری و اخبار و روایات متواتر بر وجوب ادای شهادت وجود دارد. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۳۷۴).

قول مشهور بین فقهای متأخر این است که حتی در صورت عدم استدعا نیز ادای شهادت واجب است و کتمان شهادت حرام است. حتی ابن ادریس که در موضوع تحمل شهادت قائل به عدم وجوب بود در مورد ادای شهادت قائل به وجوب است. (نوبهار، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷).

تنها در یک صورت ادای شهادت واجب نیست؛ و آن در موردی است که شهادت دادن به مال و جان و آبروی شاهد یا مؤمنی ضرر برساند که هیچ کدام از آنها مستحق چنین ضرری نباشند. اما اگر استحقاق چنین ضرری را داشته باشند بر آنها ضرورت دارد که شهادت دهند هر چند که شهادت موجب ضرر بر آنها شود. (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۴۴).

اما در جایی که شخصی که بر علیه او اقامه شهادت می شود دینی بر ذمه ی شاهد داشته باشد که آن را از شاهد درخواست کند. اگر شاهد از چنین ضرری ترس داشته باشد چون مستحق چنین ضرری بوده است این نوع ضرر رافع وجوب شهادت نیست.

**مبحث چهارم: ادله وجوب اطاعت زوجه از زوج**

**گفتار اول: آیات**

در خصوص احکام خانواده آیات بسیاری در قرآن کریم آمده است که فقها برای اثبات سرپرستی مرد و لزوم اطاعت زوجه از زوج به آن آیات استناد نموده اند.

الف) آیه ۳۴ سوره نساء

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا.»

مردان، قیام کننده به امور زنان هستند. این به خاطر آن است که خداوند بعضی را نسبت به بعضی دیگر برتری هایی داده است و نیز به خاطر آن که از اموال خود انفاق می کنند؛ بنابراین زنان شایسته فرمانبرند و در نبود همسر به آنچه خدا به حفظ آن امر فرموده، حافظ حقوق شوهرند. زانی را که از سرکشی آنها می ترسید ابتدا نصیحت کنید. بعد در بستر از آن ها دوری جوئید. آن گاه آنها را تنبیه نمایید و اگر دست از سرکشی برداشتن بر آنها ظلم روا مدارید؛ زیرا که خدا بلند مرتبه و بزرگ است.

در این آیه بعد از آن که اصل سرپرستی و ریاست شوهر را بیان می کند، به حکمت انتخاب مرد به عنوان سرپرست اشاره کرده و می فرماید: (...بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...) که از یک طرف برای مردان برتری قائل شده و حکمت آن را به خاطر انفاق هایی که از اموالشان می کنند؛ بیان کرده است.

ب) آیه ۲۲۸ سوره بقره (آیه فضیلت)

«و الْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤْمِنُنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ بَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

زنان طلاق گرفته باید سه بار پاک شدن را انتظار بکشند و اگر به خدا و روز قیامت اعتقاد دارند برای آن ها حلال نیست چیزی را که خدا در رحم هایشان خلق فرموده کتمان کنند و

شوهرانشان برای رجوع به آن ها در مدت عده سزاوارترند، اگر خواهان صلح هستند و برای زنان مثل مردان حقوقی شایسته است و مردان بر آن ها برتری دارند و خدا توانا و حکیم است.

آنچه که در این آیه مورد نظر است، فراز (... وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ) است. که از یک طرف بر مساوات تکالیف و حقوق زن و مرد تأکید می نماید و از طرف دیگر به نحوی برای مردان امتیاز و برتری قائل است.

گفتار دوم: روایات لزوم اطاعت زوجه از زوج

فقها در خصوص وجوب و لزوم اطاعت زوجه از زوج به روایاتی نیز استدلال نموده اند:

1- مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنِ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنِ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ مُبَايَعَةِ النَّبِيِّ (ص) النِّسَاءِ أَنَّهُ قَالَ لَهُنَّ: «اسْمَعْنَ يَا هَوَالَاءِ أَبَايَعُكُنَّ عَلَيَّ أَنْ لَا تُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَ لَا تُسْرِقْنَ وَ لَا تُزْنِينَ وَ لَا تَقْتُلْنَ أَوْلَادِكُنَّ، وَ لَا تَأْتِينَ بِبَهْتَانٍ تَفْتَرِيْنَهُ بَيْنَ أَيْدِيكُنَّ وَ أَرْجُلِكُنَّ وَ لَا تَعْصِينَ بُعُولَتِكُنَّ أَقْرَرْتُنَّ؟ قُلْنَ: نَعَمْ.» (الحر العاملي، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۵۳).

در حدیث مبایعه (بیعت پیامبر با زنان)، پیامبر به زنان فرمودند: ای جماعت زنان با شما بیعت می کنم که به خدا شرک نوزید و دزدی نکنید و مرتکب زنا نشوید، فرزندان خود را به قتل نرسانید، به دیگران با اعمالی که خود آن را جعل کرده اید، افترا نزنید و نافرمانی شوهر نکنید. آیا به این پیمان اعتراف می کنید؟ گفتند: بلی.

2) مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ، عَنِ أَبِي الصَّبَاحِ الْكِنَانِيِّ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ خَمْسَهَا وَ صَامَتْ شَهْرَهَا وَ حَجَّتْ بَيْتَ رَبِّهَا وَ أَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَ عَرَفَتْ حَقَّ عَلِيٍّ (ع) فَلْتَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَانِ شَاءَتْ.» (همان، ص ۱۲۶).

هرگاه زنی نمازهای پنجگانه اش را به جا آورد، ماه رمضان را روزه بگیرد، حج خانه خدا را به جا آورد، از شوهر خویش اطاعت کند و حق علی (ع) را بشناسد، از هر دری که بخواهد وارد بهشت می شود.

3- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنِ عَدَةَ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ لَهَا: أَنْ تَطِيعَهُ وَ لَا تَصْدُقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَمْنَعُهُ نَفْسَهَا وَ إِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ وَ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ إِنْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعْنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَ مَلَائِكَةُ الْغُصْبِ وَ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الرَّجُلِ قَالَ: وَالِدُهُ فَقَالَتْ: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الْمَرْأَةِ؟ قَالَ: زَوْجُهَا. قَالَتْ: فَمَا لِي عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ مِثْلَ مَا لَكَ عَلَى قَالَ لَا وَ لَا مِنْ كُلِّ مَانَةٍ وَاحِدَةٍ. (الحرالعالمی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۰۷).

پیامبر در روز عید قربان بر شتر برهنه ای سوار بودند و به بیرون مدینه رفتند که گذرشان به زنان افتاد، توقف کردند و فرمودند: ای جماعت زنها صدقه بپردازید و از همسرانتان اطاعت نمائید که بسیاری از شما زنان اهل جهنم هستید، زنان وقتی که این گفته را شنیدند گریستند. یک زن از بین آنان برخاست و پرسید: در جهنم با کفار؟ ما که کافر نیستیم. رسول خدا فرمودند: اگر شما به حق شوهرانتان کافر باشید.

روایات ذکر شده همگی بر لزوم و وجوب اطاعت زن از شوهر دلالت می کنند و در این روایات وجوب اطاعت، مقید به قیدی نشده است بنابراین وجوب اطاعت و فرمانبرداری زن از شوهر مطلق است و افاده ی عموم می کند.

#### مبحث پنجم: موارد ضرورت اذن زوج

مواردی که در روایات حقوق زوج بر زوجه را بیان می کنند به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند:

گفتار اول: امور عبادی

الف. اذن شوهر در روزه گرفتن استحبابی

ب. اذن شوهر در انجام اعتکاف

ج. اذن شوهر در به جا آوردن حج استحبابی

گفتار دوم: امور غیر عبادی یا مرتبط با عبادت

الف. اذن زوج در خروج از منزل

ب. اذن زوج در نذر

ج- اذن زوج در قسم شرعی

مبحث ششم: امور عبادی

اعمال مستحبی زن که در روایات به آنها اشاره شده و شوهر را محق دانسته که از آن منع کند. عبارتند از: روزه استحبابی، حج استحبابی و اعتکاف.

موارد ذکر شده را به صورت جداگانه بررسی می کنیم.

از امام باقر نقل شده است که فرمودند: زنی به خدمت پیامبر آمده و سوال کرد: ای پیامبر خدا، حق شوهر بر زنش چیست؟ رسول خدا فرمودند: این که از او اطاعت کند و از او نافرمانی نکند، بدون اذن از خانه ی او صدقه نپردازد، و روزه ی استحبابی نگیرد مگر با اذن شوهر. و اگر بدون اذن از شوهر از خانه بیرون رود فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را مورد لعن و نفرین قرار می دهند تا زمانی که به خانه اش بر گردد. آن زن پرسید: ای پیامبر، چه کسی بیش از همه بر زن حق دارد؟ پیامبر فرمودند: شوهرش. پرسید: پس مانند آنچه که او بر من حق دارد من بر او حق ندارم؟ پیامبر فرمود: خیر و نه یک درصد آن.

4- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ، عَنِ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمَ النَّحْرِ إِلَى ظَهْرِ الْمَدِينَةِ عَلَى جَمَلٍ عَارِي الْجِسْمِ فَمَرَّ بِالنِّسَاءِ فَوَقَّفَ عَلَيْهِنَّ ثُمَّ قَالَ: يَا مَعْشِرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ وَ أَطِيعْنَ أَزْوَاجَكُنَّ فَإِنَّ أَكْثَرَ كُنُفٍ فِي النَّارِ فَلَمَّا سَمِعْنَ ذَلِكَ بَكَينَ ثُمَّ قَامَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ مِنْهُنَّ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فِي النَّارِ فَلَمَّا سَمِعْنَ ذَلِكَ بَكَينَ ثُمَّ قَامَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ مِنْهُنَّ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فِي النَّارِ مَعَ الْكُفَّارِ؟ وَ اللَّهُ مَا نَحْنُ بِكُفَّارٍ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّكُنَّ كَافِرَاتٌ بِحَقِّ أَزْوَاجِكُنَّ. (همان، ص ۱۲۶).

## الف) اذن زوج در روزه استحبابی

فقه‌های شیعه قائل اند جایز نیست که زن بدون اجازه ی شوهرش روزه استحبابی بگیرد، چنانچه زن بدون اذن شوهر روزه استحبابی بگیرد، و شوهرش او را منع کند باید از روی احتیاط روزه را ترک کند.

شیخ مفید فرموده است: هر زنی که دارای شوهر است، تا زمانی که شوهرش به او اذن نداده، گرفتن روزه استحبابی بر او جایز نیست، چنانچه شوهر به او اذن داد، روزه بگیرد و اگر به او اذن نداد و او را از این کار منع کرد، گرفتن روزه استحبابی با منع شوهرش بر او حرام می شود. (بغدادی، ۱۴۱۳، ص ۳۰).

امام خمینی فرموده: احتیاط این است که زن روزه ی مستحبی را بدون اذن شوهر نگیرد و در صورتی که روزه استحبابی زن مزاحمت با حق شوهر داشته باشد، می تواند زن را از روزه گرفتن منع کند؛ مطلقاً یعنی چه مزاحم حق زوج باشد و چه مزاحمتی با حق شوهر نداشته باشد نباید این احتیاط را ترک کند. (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۴).

اما در مورد صحیح نبودن روزه زن بدون اجازه شوهر روایات زیادی ذکر شده که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

1- عن ابی جعفر-علیه السلام-قال: «قال النبی- صلی الله علیه و آله و سلم- لیس للمرأة أن تصوم تطوعاً إلا بإذن زوجها.» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۵۲۷).

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بر زن جایز نیست، بدون اذن همسر روزه مستحبی بگیرد مگر اینکه شوهر اجازه دهد.

2- عن ابی جعفر-علیه السلام-قال: «لا یصلح للمرأة أن تصوم تطوعاً إلا بإذن زوجها.» (همان).

امام صادق علیه السلام می فرماید: صلاح نیست زن بدون اجازه شوهر روزه استحبابی به جا آورد.

3- عن ابی جعفر-علیه السلام-قال: «جاءت امرأة الی النبی- صلی الله علیه و آله و سلم- فقالت: یا رسول الله ما حق الزوج علی

المرأة، فقال لها : .... و لا تصوم تطوعاً إلا بإذنه.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۰۷).

امام باقر علیه السلام فرمودند: زنی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و پرسید: ای پیامبر خدا حق زوج بر زوجه چیست؟ حضرت فرمود: حق مرد بر زن این است که روا نیست زن بدون اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد.

4- عن علی بن الحسین-علیه السلام-فی حدیث قال: «و اما صوم الاذن فإن المرأة لا تصوم تطوعاً إلا بإذن زوجها.» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۵۲۹).

امام سجاد علیه السلام فرمود: و اما روزه با اجازه، پس همانا زن بدون اجازه شوهر روزه استحبابی به جا نیاورد.

از این روایات برداشت می شود که فقهاء امامیه بر این امر که جایز نیست زن بدون اجازه از شوهرش روزه مستحبی بگیرد اتفاق دارند و اگر زن مخالفت کند و بدون اجازه شوهر روزه مستحبی بگیرد، روزه مستحبی با مخالفت شوهر حرام است.

## ب- اذن زوج در اعتکاف

اعتکاف نیز یک امر عبادی استحبابی است. فقها یکی از شرایط اعتکاف را برای زن اذن همسر بیان کرده اند. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۵۲۹).

آیت الله خویی فرموده: اعتکاف زن بدون اذن شوهر باطل است. به دلیل وجود روایاتی که بر جایز نبودن خروج زن از منزل بدون اذن شوهر دلالت دارند. (خویی، ۱۴۰۹، ج ۲۲، ص ۳۷۷).

آقای حکیم گفته است: در روایات گفته شده که جایز نیست زن بدون اذن زوج از منزل خارج شود، منظور از عدم جواز یعنی اینکه بر زن حرام است در بیرون از منزل بدون اجازه شوهر توقف نماید در امر اعتکاف هم توقف در بیرون از منزل وجود دارد، به همین دلیل امر اعتکاف بدون اذن از شوهر حرام است، در این حالت عبادت صحیح نیست، بنابراین اعتکاف زن بر اذن شوهر متوقف شده است. (حکیم، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۵۵).



صاحب مدارک می فرماید: اعتکاف با باطل شدن روزه باطل می شود چون اعتکاف مشروط به صوم است، از این جهت با فساد روزه از بین می رود. (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۵۲).

امام خمینی در لزوم شرط اذن شوهر در اعتکاف اشکال کرده است هر چند از روی احتیاط واجب اجازه گرفتن را ضروری دانسته است. (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۵).

برای وجوب اذن در اعتکاف دلیل خاص لفظی وجود ندارد؛ فقها از دو راه بر این امر استدلال نموده اند: (خویی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۶۱).

1- خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز نیست. 2- روزه مستحبی زن باید به اذن همسر باشد.

و به دلیل اینکه امر اعتکاف نیز نیازمند خروج از خانه است و اعتکاف باید در مسجد انجام شود و هم مستلزم روزه گرفتن است، زیرا یکی از شرایط برای انجام اعتکاف روزه است، بنابراین دو دلیل برای صحت اعتکاف وجود دارد که هر دو وابسته به اجازه از شوهر می باشد. برخی از فقها مانند آیت الله خویی، زمانی خروج از منزل را حرام می دانند که با حق استمتاع منافی باشد. (همان، ص ۳۶۲).

ج- اذن زوج در حج استحبابی

فقهاء شیعه اتفاق نظر دارند که اذن زوج برای زن در حج واجب شرط نیست و زن بدون اجازه شوهر می تواند حج به جا آورد و شوهر نمی تواند او را از رفتن به حج واجب منع کند. در این حکم بین فقهاء فرق نیست که حج قبلاً به گردن زن مستقر شده باشد، و او از قبل مستطیع شده باشد، یا در سالی که حج را، انجام می دهد واجب شده، به هر صورت استیذان شوهر در حج واجب لازم نیست. (خویی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۶۸). اما در مورد حج استحبابی اذن از شوهر واجب است.

صاحب عروة الوثقی گفته است: «در حج استحبابی اذن زوج و مولی لازم است، بلکه در مواردی اذن پدر و مادر نیز لازم است.» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۳۳).

آیت الله خویی (ره) دلیل وجوب اذن زوج در خروج از منزل را حرمت خروج زن بدون اذن می داند. (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۹۶).

در خصوص لزوم اذن شوهر در حج استحبابی به روایاتی استناد شده است که برخی از آنها را ذکر می کنیم:

1- عن اسحاق بن عمار عن ابی الحسن قال: سألته عن المرأة المسره قد حجت حجه الاسلام تقول لزوجهها احجني من مالي، أله أن يمنعها من ذلك؟ قال: «نعم و يقول لها حقى عليك اعظم من حقك على فى هذا» رواه الصدوق باسناده عن اسحاق بن عمار و الكلینی عن ابی علی الاشعری. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۹۶).

«اسحاق بن عمار می گوید از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: زن ثروتمندی که حج واجب خود را انجام داده است، از همسرش درخواست دارد او را با خودش به حج ببرد. آیا شوهر می تواند زن را از رفتن منع کند؟ فرمود: آری. شوهر به زن می گوید: حق من بر تو عظیم تر از حق تو بر من است.»

2- عن جابر بن قال: سمعت ابا جعفر محمد بن علی الباقر- علیه السلام- يقول: «... و لا يجوز ان تحج تطوعا الا باذن زوج ها.» (همان، ص ۲۲۲). «جایز نیست زوجه بدون اجازه زوج حج استحبابی انجام دهد.»

به جز روایات، به اجماع نیز استناد شده است. مرحوم حکیم نقل کرده است که برخی «بلاخلاف» گفته و گروهی دیگر گفته اند «لا نعلم خلافا بین اهل العلم» و عده ای هم ادعای اجماع کرده اند. (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۲۲۸).

روایت اول از لحاظ سند معتبر است لکن روایت دوم به علت اینکه ابن عماره ناشناخته است و همینطور در مورد جابر بین علمای رجال اختلاف نظر است بنابراین در روایت دوم تردید وجود دارد.

مبحث هفتم: اذن زوج در امور غیر عبادی یا مرتبط با عبادت

گفتار اول: اذن زوج در خروج از منزل

یکی از مواردی که در روایات از حقوق شوهر محسوب شده این است که زن برای خروج از منزل باید از شوهر اذن بگیرد. و به همین علت فقها گفته اند که مرد می تواند از خروج زن از منزل منع کند و بر زن واجب است، بدون استیذان شوهر از منزل خارج نشود. (الزحیلی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۳۲۶).

#### - روایات

1- عن ابی جعفر-علیه السلام- قال: «جاءت امراه الى النبی صلی الله علیه و آله و سلم فقالت: یا رسول الله ما حق الزوج علی المراه؟ فقال لها ان تطیعه و لا تعصیه...ولا تخرج من بیتها الا باذنه و ان خرجت بغير اذنه لعنتها ملائکه السماء و ملائکه الارض و ملائکه الغضب و ملائکه الرحمه حتی ترجع الی بیتها...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۰۷).

امام باقر علیه السلام می فرمایند زنی به خدمت پیامبر اکرم آمد و سؤال کرد: حق شوهر بر زن چیست؟ پیامبر فرمودند: حق شوهر بر زن این است که از او اطاعت کند و نسبت به او نافرمانی نکند...از خانه اش بدون اذن از او خارج نشود و گرنه فرشتگان آسمان و زمین و فرشتگان خشم و رحمت او را نفرین می کنند تا به خانه برگردد.

2- عن ابی عبدالله-علیه السلام-قال: «ان رجلا من الانصار علی عهد رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم- خرج فی بعض حوائج فعهدالی المراه عهدا ان لا تخرج من بیتها حتی یقدم. قال: و ان ابها قد مرض فبعثت المراه الی رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم- تستأذنه ان تعوده فقال: لا، اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک. قال: فدفن الرجل فبعث الی رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم- ان الله قد غفر لک و لأبیک بطاعتک لزوجک.» (همان، ص ۵۱۳).

امام صادق-علیه السلام می فرمایند: در زمان پیامبر مردی از انصار به سفر رفت. با همسرش عهد بست تا زمان آمدن او، از خانه خارج نشود. پدر زن بیمار شد. آن زن قاصدی نزد رسول خدا فرستاد تا به او اجازه عیادت دهد. پیامبر به او فرمود: در خانه ات بمان و فرمانبردار همسرت باش. این سخن پیامبر برای زن سخت بود. بار دیگر کسی را به خدمت پیامبر فرستاد. پیامبر

فرمود: در خانه ات بنشین و مطیع شوهرت باش. پدرش از دنیا رفت. زن قاصدی فرستاد و از پیامبر اجازه خواست تا بر پدرش نماز گذارد. پیامبر فرمود: در خانه ات بنشین و مطیع شوهرت باش. پدرش به خاک سپرده شد رسول اکرم به او پیغام داد که خداوند تو و پدرت رابه خاطر اطاعت از شوهر مورد غفران قرار داده است.

3-روایت صحیحہ علی بن جعفر: «علی بن جعفر فی کتابه، عن اخیه قال: سألته عن المراه ألهما ان تخرج بغير اذن زوجها؟ قال: لا « (همان، ص ۵۱۳).

علی بن جعفر در کتابش از برادرش امام موسی کاظم علیه السلام روایت می کند سؤال کردم از آن حضرت علیه السلام، که آیا جایز است که زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود؟ امام فرمود: خیر جایز نیست.

گفتار دوم: اذن زوج در نذر

فقهای متأخر عموماً فتوا داده اند که زن باید جهت نذر از شوهر اذن بگیرد. لکن بعضی از فقها گفته اند اگر نذر با منع شوهر باشد باطل می شود و بعضی نیز قائل اند انعقاد نذر منوط به اجازه شوهر است.

#### امام خمینی ره در تحریر الوسیله فرموده است:

نذر با منع شوهر صحیح نیست. گرچه مربوط به اموال خودش باشد و عمل به آن مانع از حق شوهر نباشد. بلکه ظاهراً انعقاد نذر به اذن شوهر منوط است. (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۷).

روایت صحیحی از عبدالله بن سنان: عن ابی عبدالله- علیه السلام- قال: «لیس للمراه مع زوجها امر فی عتق و لا صدق و لا تدبیر و لا هبه و لا نذر فی مالها الا باذن زوجها الا فی حج او زکات او بر والدیها او صلہ قرابتها.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۱۴).

امام صادق علیه السلام فرموده اند: زن نمی تواند با وجود شوهر تصرفاتی از قبیل: آزاد ساختن برده، صدقه دادن، تدبیر، بخشش

و نذر در اموال خود داشته باشد. مگر از شوهر اذن بگیرد، جز برای سفر حج، پرداخت زکات، رسیدگی به پدر و مادر و به جا آوردن صلّه رحم.

سند این روایت صحیح است اما مضمون آن از جهت اینکه برخی از فقرات آن مورد عمل نیست مورد بحث است. لذا صاحب جواهر فرموده اند حدیث را نسبت به نذر می پذیریم و در غیر آن طرد می کنیم. (نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۵، ص ۳۵۹).  
گفتار سوم: اذن زوج در قسم

عن ابی عبدالله- علیه السلام- قال: «لا یمین للولد مع والده و لا للمراه مع زوج ها و لا للمملوک مع سیده.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۳۹).

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای فرزند با داشتن پدر، و برای زن با وجود شوهر و برای مملوک با داشتن مولی، قسم نیست.

عن ابی جعفر- علیه السلام- قال: «قال رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم:» و لا یمین لولد مع والده و لا للمملوک مع مولاه و لا للمراه مع زوج ها و لا نذر فی معصیه و لا یمین فی قطعیه.» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۳، ص ۲۱۷).

امام باقر علیه السلام می فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ... قسم فرزند با وجود پدر و قسم برده با داشتن مولا و قسم زن با داشتن شوهر نافذ نیست و همچنین نذر در انجام معصیت و سوگند در قطع صلّه رحم نافذ نیست.

مبحث هشتم: اذن زوج در واجبات عبادی زن

فقههای شیعه در مورد اذن شوهر در واجبات عبادی زن دو دسته شده اند، برخی از فقها می گویند: در واجبات عینی برای زن اذن شوهر لازم نیست و زن می تواند برای انجام واجبات عینی، بدون اذن شوهر از منزل خارج شود، و بعضی قائل به تفصیل بین واجب موسع و مضیق شده اند.

گفتار اول: اذن زوج در واجبات عینی

«واجب عینی» به واجبی گفته می شود؛ که بر تک تک افراد واجب است و با انجام دادن دیگران تکلیف از انسان ساقط نمی شود. مشهور فقهای شیعه بر این عقیده اند که برای زن در انجام واجبات عینی، مانند موارد ذکر شده، اذن شوهر واجب نیست و زن می تواند بدون اذن شوهر برای انجام واجبات عینی از منزل خارج شود. شیخ طوسی در المبسوط می فرماید: اگر روزه نذری زن با اجازه شوهر، معین به زمان شده باشد، شوهر نمی تواند او را از گرفتن روزه منع کند، زیرا روزه نذری با اذن شوهر بوده و بر زن واجب عینی شده است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۴).

آقای مکارم می فرماید: حق شوهر بر زن مانع از ادای واجبات او نمی شود، یعنی شوهر نمی تواند جلوی نماز، روزه، حج و... زن را بگیرد که این اصل مسلم و محکم است، همچنین تحصیل علم واجب مانند عقاید، فروع فقهیه، مسائل اخلاقیه واجبه و... اگر در داخل منزل تحصیل این علوم ممکن نشد در این صورت نیز خروج از منزل لازم است. (مکارم، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۱۷-۱۲۴).

آیت الله فاضل لنکرانی فرموده: اگر فراگیری مسائل شرعی، از واجبات (عینی) زن باشد و چاره ای برای فراگیری ندارد جز به خروج از منزل، و مفسده ای نداشته باشد؛ به قدر ضرورت و به اندازه واجب می تواند خارج شود. ولی برای مسجد و... بدون اجازه نمی تواند خارج شود. (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۳۵).

از دیگر مواردی که زن برای انجام آن نیازی به اذن شوهر ندارد موضوع حج واجب است. مشهور فقهاء امامیه به اتفاق می گویند در حج واجب اذن شوهر شرط نیست و زن بدون اجازه شوهر می تواند حج به جا آورد و بر شوهر جایز نیست که از رفتن زوجه به حج منع کند. تفاوتی نمی کند که وجوب حج قبلاً بر زن استقرار پیدا کرده باشد و قبلاً استطاعت انجام حج پیدا کرده باشد یا در همان سال حج بر او واجب شده باشد، به دلیل اینکه «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق». (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۶۶).

گفتار دوم: اذن زوج در واجبات کفایی زن

واجب کفایی به واجبی گفته می شود که اگر فرد یا افرادی نسبت به آن اقدام نمایند، تکلیف از عهده دیگران ساقط می شود؛ به عبارت دیگر واجب کفایی اقتضا می کند که مخاطب تمامی مکلفین است به گونه ای که انجام آن از ناحیه هر شخص که واقع شود، تکلیف از دیگران ساقط می شود، البته به شرطی که قیام کننده به طور کامل واجب را انجام دهد. (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۴۳).

خروج زن از منزل جهت ادای واجب کفایی بدون اذن از زوج جایز نیست، چون که حق شوهر واجب عینی است و با وجود واجب عینی نوبت به واجب کفایی نمی رسد و نیز واجب کفایی در برخی موارد از زنان برداشته شده است، مانند جهاد، در حالی که واجب کفایی است ولی از زنها برداشته شده است.

اموری که در متون فقهی واجب کفایی محسوب می شوند عبارتند از جهاد، یاد دادن احکام لازم به افراد دیگر، نظافت مساجد، تشییع مسلمان، و همچنین بر شوهر واجب کفایی است که موضوعات فقهی لازم را به زن آموزش دهد. (خویی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۲۰).

شیخ مفید فرموده: برای مرد نماز قربان و نماز جمعه و استسقاء از باب واجب کفایی لازم است، اما این موارد برای زن واجب کفایی نیست، و همچنین نماز میت بر مردان از باب واجب کفایی واجب است، در این موارد بر زن اذن از شوهر لازم است لذا حضور زنان در این موارد بدون اذن شوهر جایز نیست. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۶).

مبحث نهم: عینی یا کفایی بودن وجوب تحمل یا ادای شهادت مشهور فقها، قائل به وجوب تحمل شهادت هستند و درباره ماهیت وجوب تحمل شهادت، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. در تکالیف اصل بر عینی بودن است، اما اگر دلیلی بر کفایی بودن تکلیف دلالت کند ظهور در آن دارد. بسیاری از فقها که تحمل شهادت را واجب دانسته اند؛ کفایی بودن آن را تصریح کرده اند. زیرا در واجب کفایی مقصود از آن انجام فعل است و هر مکلفی که آن فعل را انجام دهد از سایر مکلفین تکلیف ساقط می شود. لذا اگر کسی که اهلیت تحمل شهادت

را دارد فراخوانده شود هرگاه بداند در صورت استنکاف، فرد دیگری برای تحمل شهادت وجود نداشته باشد واجب کفایی به عینی تبدیل خواهد شد. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۲۶).

مرحوم طبرسی صاحب مجمع البیان گفته است: « یجب اقامه الشهادة و اداءها عند الطلب وجوباً کفائياً ان کان التحمل المودی لها زائداً علی حد نصاب » در صورتی که در هنگام تحمل شهادت تعداد شهود بیشتر از حد نصاب باشد در اینجا وجوب شهادت کفایی است. اما زمانی که تعداد شهود به تعداد مورد نیاز برای شهادت باشد، در واقع منحصر در همین افراد باشد وجوب عینی است (طبرسی، ۱۴۲۰، ج ۱-۲، ص ۵۱۴). مانند وقتی که دو شاهد برای شهادت دادن نیاز باشد اما شهود سه نفر یا اینکه بیشتر باشند در اینجا شهادت، واجب کفایی است. هر چند که در تکالیف اصل بر عینی بودن است اما تحمل و ادای شهادت واجب کفایی است. بسیاری از فقها هم به این مطلب تصریح نموده اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۱۸۴).

اما عده ای از فقها ماهیت ادای شهادت را براساس استدعائی بودن یا عدم استدعائی بودن گواهی در موقع تحمل شهادت قرار داده اند:

**دسته اول:** فقهای که به طور مطلق قائل به وجوب ادای شهادت هستند. در خصوص ماهیت وجوب ادای شهادت به وجوب کفایی بودن آن اتفاق نظر دارند و می توان گفت که اجماع فقها بر این مطلب به حد استفاضه رسیده است. (همان، ص ۱۸۵).

دلیل کفایی بودن وجوب ادای شهادت به حکمت ادای آن و حرمت کتمان شهادت که عبارت از احقاق حق است باز می گردد. و در واقع ضرورت عقلی ایجاب می کند که احقاق حق صورت گیرد و زمانی که احقاق حق صورت بگیرد دیگر طلبی باقی نمی ماند. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۳۷۸).

**دسته دوم:** این دسته از فقها وجوب ادای شهادت را در صورت استدعا کفایی می دانند؛ ولی در صورت عدم استدعا قائل به وجوب نیستند. در صورت استدعا هم زمانی قائل به وجوب کفایی هستند؛ که به طور قطع و یقین علم به احقاق حق در صورت ادای شهادت داشته باشند، بنابراین در صورت عدم علم

و احتمال به احقاق حق کسی ادای شهادت بر شخص واجب نمی باشد. (همان)

صاحب ریاض گفته است نظریه این گروه که تفصیل داده اند میان حالت درخواست و عدم درخواست دارای اشکال است. زیرا آنها می گویند اگر استدعائی باشد مطلقاً عینی است؛ حتی اگر تعداد شهود بیشتر از حد نصاب باشد. در صورت عدم استدعا و وجوب کفائی است و فقط در صورتی عینی است که کسی دیگر غیر از او نباشد. (حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۳۸۴).

پس در مجموع ماهیت وجوب ادای شهادت با کفایی بودن سازگاری بیشتری دارد زیرا چنانچه بیان شد، بسیاری از فقها بر این مطلب تصریح دارند.

دسته ای از فقها از قبیل شیخ طوسی در المبسوط و النهایه، ابن جنید اسکافی، الفخری، الشهدیدین والفاضلین والصیمیری تحمل شهادت را واجب کفایی می دانند. لکن شیخ مفید، حلبی، قاضی، دیلمی، و ابن زهره قائل به وجوب عینی تحمل شهادت هستند. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۳۶۸).

امام خمینی براساس دلایل ذکر شده وجوب تحمل شهادت را مبنی بر احتیاط دانسته است؛ و از فتوای به وجوب خودداری نموده است. (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۸). صاحب جواهر نیز در اصل وجوب تحمل شهادت تردید نموده و برطبق ظاهر روایات وارده حکم به وجوب تحمل شهادت را بعید دانسته و مستحب بودن تحمل شهادت را قوی تر می داند و قائل به مکروه بودن ترک تحمل شهادت است. در تمام تکالیف اصل بر عینی بودن است اما ادای شهادت واجب کفایی است. اکثر فقها به این موضوع تأکید کرده اند و ادعا دارند که در این موضوع اتفاق نظر وجود دارد.

در خصوص وجوب ادای شهادت در فرض عسر و حرج، نوعی اجماع و اتفاق نظر وجود دارد که وجوب ادای شهادت، مشروط به نفی عسر و حرج برای شاهد است. در این باره علاوه بر ادله عامی که ضرر و حرج ناشی از امثال تکالیف اولیه را نفی می کند، به آیه ۲۸۲ سوره بقره استناد شده است: «کاتب و شاهد نباید زبان ببینند». دو نکته در اینجا وجود دارد؛ اول اینکه در

اکثر کتب فقهی تصریح شده ضرری که مانع از وجوب ادای شهادت است، ضرر غیر مستحق است. یعنی شاهد مستحق چنین ضرری نباشد (حلی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷)؛ و نکته دوم اینکه گرچه ادله نفی ضرر و حرج بر ادله احکام اولیه همچون وجوب ادای شهادت حاکم است اما این حکومت از باب تراحم است؛ لذا در تمام مواردی که وجوب ادای شهادت مهم تر باشد، ضرر و سختی ناچیز مانع این وجوب نیست. (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۴۴).

شهادت فتوا به وجوب داده است. البته عده ای از فقها فقط در صورتی ادای شهادت را واجب دانسته اند؛ که قبلاً از شاهد، برای تحمل شهادت درخواست شده باشد و شاهد نیز تحمل شهادت کرده باشد و یا اثبات حقی متوقف بر شهادت او باشد.

به طور کلی ماهیت وجوب ادای شهادت با کفایی بودن سازگاری بیشتری دارد زیرا چنانچه گفتیم اکثر فقها بر این مطلب تصریح دارند.

مشهور فقها تحمل شهادت را در صورت درخواست مشهود له به شهادت واجب دانسته؛ و تنها معدودی از آنها از قبیل ابن ادریس با این فتوا مخالفت نموده اند. اما در خصوص اقامه شهادت، محقق حلی در واجب کفایی بودن آن ادعای نفی خلاف کرده است؛ و صاحب جواهر نیز ادعای اجماع منقول و محصل نموده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۷-۱۸۳).

از بررسی های انجام شده دریافتیم که تحمل و ادای شهادت واجب کفایی است و اطاعت از زوج واجب عینی است، با بودن واجب عینی نوبت به واجب کفایی نمی رسد لذا اذن زوج در تحمل و ادای شهادت زنان ضرورت دارد. اما در مواردی ممکن است تحمل و ادای شهادت بر زن واجب عینی شده باشد که در این صورت در اجتماع بین دو واجب عینی تراحم به وجود می آید که باید به وسیله مرجحات باب تراحم، این تضاد را حل کنیم.

مبحث دهم: تراحم ادله وجوب تحمل و ادای شهادت زنان با ادله وجوب اطاعت از زوج

در حالتی که تحمل و ادای شهادت بر زن واجب عینی شده باشد در اجتماع بین دو واجب عینی، تضاد ایجاد می شود. به این معنا که بین ادله وجوب تحمل و ادای شهادت و ادله وجوب اطاعت از زوج، به نوعی تزامم به وجود می آید. و مکلف نمی داند کدامیک از این ادله را باید مقدم بر دیگری کند. به دلیل اینکه ادله وجوب اطاعت از زوج می گویند اطاعت از زوج واجب عینی است، و ادله وجوب تحمل و ادای شهادت نیز، تحمل و ادای شهادت را واجب عینی می دانند.

تزامم در لغت به معنای گرد آمدن گروهی بر چیزی، تلاطم امواج و راندن برخی از آن ها برخی دیگر را در یک تنگنا آمده است.» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۹).

شهید صدر در تعریف تزامم چنین گفته اند:

«التزامم، هو التنافی بین الحکمین بسبب عدم قدره المكلف علی الجمع بینهما فی عالم الامتثال.» (صدر، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۶). ایشان تزامم را بر ناسازگاری و تمانع دو حکم که ناشی از قدرت نداشتن مکلف بر امتثال آن باشد، اطلاق کرده اند.

هنگام رویارویی مکلف با دو عنوان متزامم که نمی تواند هر دو را با هم امتثال کند قواعدی در باب تزامم وجود دارد که مکلف باید به آن قواعد رجوع کند. از این قواعد به مرجحات تعبیر می شود که عبارتند از:

1-گاهی تزامم بین دو وجوب عینی و کفایی است که در این صورت واجب عینی بر کفایی مقدم می شود.

2-گاهی تزامم بین دو واجب مضیق و موسع است که قطعاً مضیق مقدم می شود.

3-گاهی تزامم بین دو متعلق است که یکی جانشین دارد و دیگری ندارد، در این صورت حکمی که جانشین ندارد مقدم می شود.

4-گاهی تزامم بین دو مورد است که یکی مصلحت نوعی و دیگری مصلحت شخصی دارد در این صورت مصلحت نوعی مقدم می شود. (مقدسی فر، ص ۹۵).

با بررسی های انجام شده درمی یابیم که بین ادله وجوب تحمل و ادای شهادت در حالت عینی بودن آن و ادله وجوب اطاعت از زوج تزامم وجود دارد به دلیل اینکه اختلاف در مرحله امتثال عمل و اجرای قانون است و یک فردی در یک زمان به انجام دو عمل واجب مکلف است که اجرای هر دو برای او ممکن نیست لذا بین ادله مذکور تزامم وجود دارد. زمانی که شهادت دادن بر زن واجب عینی شده باشد در این صورت تحمل و ادای شهادت بر او واجب است و از طرفی اطاعت از زوج هم واجب عینی است و اجتماع بین این دو واجب ممکن نیست لذا از موارد تزامم است و باید سراغ مرجحات باب تزامم برویم چون که مکلف نمی تواند هر دو عنوان را با هم امتثال کند و نکته مهم در مسئله تزامم این است که هر گاه به هر دلیلی احراز شود که ملاک در یکی از دو عنوان، از دیگری اقوی است، همان را اخذ می کنیم این یک قاعده در باب تزامم است در بحث مورد نظر زمانی که تحمل و ادای شهادت بر زن واجب عینی شده باشد به دلیل اینکه اثبات حق دیگری بر شهادت زن متوقف شده و کتمان شهادت موجب تضییع حقوق دیگران می شود و نیز تحمل و ادای شهادت واجب مضیق است و زمان آن محدود است اما اطاعت از زوج اختصاص به زمان خاصی ندارد لذا ملاک در شهادت دادن زن اقوی از اطاعت از زوج است لذا در اینجا ادای شهادت مقدم بر اطاعت از زوج می شود. اما در حالت مندوحه که هیچ کدام از دلیل ها اقوی از دلیل دیگر نباشد در این صورت اجتماع امر و نهی به وجود می آید که دو حالت دارد در صورت عدم جواز اجتماع، یا وجوب تحمل و ادای شهادت، مقدم بر وجوب اطاعت از زوج می شود، که در این صورت شهادت صحیح است و اگر نهی از عدم اطاعت از زوج، مقدم بر تحمل و ادای شهادت زن شود، در صورتی که زن بدون اذن زوج شهادت دهد معصیت کرده است و شهادت او باطل است اما در صورتی که اجتماع امر و نهی جایز باشد زن به دلیل عدم اطاعت از زوج معصیت کرده اما شهادت او صحیح می باشد.

### نتیجه گیری

موضوع لزوم اذن زوج در انجام برخی از امور زوجه، در ارتباط با حقوق خانواده و زوجین و مباحث فقهی آن مطرح است. زوجین به عنوان دو رکن اصلی تشکیل دهنده نهاد کوچک

خانواده در اسلام مطرح هستند و شارع حکیم احکام و قوانین خاصی را در مورد نحوه ارتباط آنها با یکدیگر، تشریح نموده است. یکی از این احکام و قوانین که از آیات و روایات وارد در این زمینه استفاده می گردد، لزوم اذن گرفتن زوجه از زوج خویش در انجام برخی امور است. مشهور فقهاء شیعه معتقدند که زوجه در انجام اعمال واجب همچون: نماز، روزه و حج اذن زوج را لازم ندارند زیرا این موارد واجب عینی هستند و انجام واجب عینی نیازی به اذن زوج ندارد. اما در واجبات کفایی اذن زوج ضرورت دارد. شهادت یک تکلیف است و حکم تکلیفی آن وجوب است. مشهور فقهاء شیعه تحمل و ادای شهادت را واجب دانسته و کتمان شهادت را حرام می دانند. ماهیت تحمل و ادای شهادت واجب کفایی است اما در مواردی این واجب کفایی به عینی تبدیل می شود.

بنابراین نتیجه بحث این است که تحمل و ادای شهادت واجب کفایی است و اذن زوج در واجبات کفایی زن ضرورت دارد به دلیل اینکه با بودن واجب عینی یعنی اطاعت از زوج، نوبت به واجب کفایی نمی رسد. اما زمانی که تعداد شهود محصور در تعداد مورد نیاز باشد تحمل و ادای شهادت واجب عینی می شود و اگر تحمل و ادای شهادت بر زن واجب عینی شده باشد بین ادله وجوب تحمل و ادای شهادت و ادله وجوب اطاعت از زوج تراحم به وجود می آید زیرا اختلاف در مرحله امتثال عمل و اجرای قانون است و اجتماع بین دو واجب عینی در یک زمان است و جمع بین هر دو در زمان واحد ممکن نیست لذا بین ادله مذکور در حالت عدم مندوحه تراحم ایجاد می شود و ملاک قوی تر و اهم مقدم می شود یعنی تحمل و ادای شهادت مقدم بر اطاعت از زوج خواهد شد. چون که اثبات حق دیگری بر شهادت دادن زن متوقف است و کتمان شهادت موجب تضییع حقوق دیگران می شود و نیز تحمل و ادای شهادت واجب مضیق است و زمان آن محدود است اما اطاعت از زوج اختصاص به زمان خاصی ندارد لذا ملاک در شهادت دادن زن اقوی از اطاعت از زوج است اما در حالت مندوحه اجتماع امر و نهی به وجود می آید که در صورت عدم جواز اجتماع، اگر وجوب شهادت مقدم بر وجوب اطاعت از زوج باشد شهادت بدون اذن صحیح است و اگر نهی را مقدم کنیم در این صورت زن معصیت

کرده و شهادت او باطل است اما در صورت جواز اجتماع امر و نهی اگر زن بدون اذن زوج تحمل و ادای شهادت نماید مرتکب معصیت شده و شهادت او صحیح است .

### سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه رازی کرمانشاه به خاطر حمایت معنوی و همکاری در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می شود.  
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می شود.

### ۷- منابع

۱- قرآن کریم

۲- ابن فارس، احمد، لغتنامه معجم مقاییس اللغة، مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.

۳- آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، تهران: نشر نی، چ پانزدهم، ۱۳۹۲.

۴- بغدادی (مفید)، محمدبن نعمان عکبری، احکام النساء، ج اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳.

۵- جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، ج ۱، موسسه دائره المعارف اسلامی بر مذهب أهل البيت عليهم السلام، قم: ایران، چ اول، ۱۴۲۳.

۶- جوهری فارابی، ابونصر، الصحاح الجوهری، تحقیق: احمد عبدالغفور العطار، ناشر: دارالعلم للملایین، بیروت: لبنان، ۱۴۰۷

۷- حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بلدلائل، چ اول، ج ۱۵، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۸.

۸- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چ دوم، ج ۱۸، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴.

- ٩- حسینی، میر عبدالفتاح بن علی، العناوین الفقہیہ، ج ٢، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٧
- ١٠- حکیم، سید محسن، مستمسک العروہ الوثقی، ج ٢، قم: کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی، ١٤٠٤
- ١١- حلی، ابن ادریس محمد بن منصور بن احمد ایضاح الفوائد، چ اول، قم: موسسه اسماعیلیان، ١٣٨٧
- ١٢- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ٣، انتشارات مکتبہ الصدوق، ١٤٠٥
- ١٣- خویی، سید ابوالقاسم، صراہ النجاه (المحشی للخوئی)، ج ١، مکتب نشر المنتخب، قم: ایران، چ اول، ١٤١٦.
- ١٤- -----، موسوعه الامام خویی، انتشارات: موسسه إحياء آثار الامام خویی، ١٤٢١.
- ١٥- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، بیروت: دارالعلم للدار الشامیہ، چ اول، ١٤١٢.
- ١٦- زیلعی، عثمان بن علی، تبیین الحقایق فی شرح کنز الدقائق، ج ٥، چ دوم، بیروت: دارالمعرفه للطباعه و النشر، بی تا.
- ١٧- حکیم، سید محسن، مستمسک العروہ الوثقی، ج ٢، قم: کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی، ١٤٠٤.
- ١٨- -----، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القوائد، چ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ١٣٨٧.
- ١٩- -----، موسوعه الامام خوئی، انتشارات: موسسه إحياء آثار الامام خویی، ١٤٢١.
- ٢٠- -----، صراة النجاه (المحشی للخوئی)، ج ١، مکتب نشر المنتخب، قم: ایران، چ اول، ١٤١٦.
- ٢١- -----، المعتمد فی شرح المناسک، ناشر احياء آثار الامام خویی، ١٤١٣.
- ٢٢- زحیلی، وهبه، الأسره المسلمه فی العالم المعاصر، دارالفکر، دمشق، ١٤٢٠.
- ٢٣- زیلعی، عثمان بن علی، تبیین الحقایق فی شرح کنز الدقائق، ج ٥، چ دوم، بیروت: دارالمعرفه للطباعه و النشر، بی تا.
- ٢٤- شهید ثانی، زین الدین بن علی الجبعی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرایع الاسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیہ، ج ١٤، چ اول، ١٤١٩.
- ٢٥- صدر، سید محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، ج ٧، ناشر: الجمع العلمی للشهید الصدر، چ دوم، ١٤٠٥.
- ٢٦- طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک عروہ الوثقی، قم: موسسه دارالتفسیر، ١٤١٦.
- ٢٧- -----، تهذیب الاحکام، ج ٦، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، چ چهارم، ١٤٠٧.
- ٢٨- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروہ الوثقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول، ١٤١٩.
- ٢٩- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ٥، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ١٤١٧.
- ٣٠- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ٢، بیروت: دارالمعرفه، چ دوم، ١٤٢٠.
- ٣١- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مصحح (سید احمد حسینی)، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ١٤١٦.
- ٣٢- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیہ، ج، تهران: المکتبۃ المرتضویۃ لإحياء الآثار الجعفریہ، ایران، ١٣٨٧.
- ٣٣- عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ٢٧، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، چ اول، ١٤٠٩.



۴۲- محقق داماد، مصطفی، قواعد عمومی قراردادها در فقه امامیه، ج ۱، با همکاری جلیل قنواتی، سید حسن وحدتی شبیری، ابراهیم عبدی پور، تهران: انتشارات سمت، چ اول، ۱۳۷۹.

۴۳- نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱، چ هفتم، بیروت، موسسه داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.

۴۴- نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱۸، قم: ناشر موسسه آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۱۵.  
-مقالات

۱- مقدسی فر، محسن، بررسی معیار تفکیک باب های «اجتماع امر و نهی» «تعارض» و «تزامم»، دو فصلنامه علمی، اطلاع رسانی نگاه.

۲- نوبهار، رحیم، الزام به ادای شهادت در دعاوی کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.

۳۴- عاملی، شهیدثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی- کلانتر)، ج ۱۰، کتابفروشی داورى، قم: ایران، چ اول، ۱۴۱۰.

۳۵- عبدالناصر، جمال، موسوعه الفقه الاسلامی، قاهره: المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه، ۱۴۱۰.

۳۶- غروی اصفهانی، محمد بن حسین، حاشیه بر مکاسب، قم، مجلدين، دارالذخائر، ۱۴۰۸.

۳۷- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج اول و چهارم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چ سوم، ۱۴۱۲.

۳۸- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۳۹- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران، چ بیست و هفتم، ۱۳۷۹.

۴۰- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، نشر الدارالاسلامیه، ج ۲، چ اول، بی تا.

۴۱- مصباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، چ اول، موسسه امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Jurisprudential study of the husband's permission in tolerating and giving testimony to women

**Khalilullah Ahmadvand** Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Literature  
and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

**Faezeh Ahangarnejad** Graduated from the Faculty of Literature and Humanities, Razi  
University, Kermanshah, Iran.

### Abstract:

Permission is one of the important jurisprudential and legal institutions that has been discussed in many jurisprudential chapters and legal writings. According to verse 34 of Surah An-Nisa 'and Article 1105 of the Civil Code regarding marriage, the head of the family is the husband. Therefore, doing some things of the wife is subject to the permission and consent of the husband, and some of the activities of the wife are prohibited without the permission and consent of the husband. "Women's testimony" to be analyzed whether the tolerance and testimony of women is one of the things that the husband's permission is required to do or not? The findings of this study show that tolerance and testimony are sufficient. The husband's permission is required to perform the wife's sufficiency duties, but when tolerating and testifying against the wife becomes an objective obligation, there is a conflict in the community between the two objective obligations, and the strong and important criterion takes precedence, or a community of commands and prohibitions. If the community is not allowed, if the obligation of testimony precedes the obligation of obedience to the husband, the testimony without permission is valid, and if the prohibition takes precedence, then the woman has committed a sin and her testimony is void. However, if the community is allowed to command and forbid, if the woman tolerates and testifies without the husband's permission, she has committed a sin, but her testimony is valid.

**Keywords:** Spouse's permission .tolerance of testimony Testimony .conflict of evidence.

### JEL Classification:

Thematic classification is the main problem of the research. This classification can be extracted from the site [http://www.jaml.ir/article\\_251235.html](http://www.jaml.ir/article_251235.html) . Also, the Persian translation of this classification is available on the website of the Scientific Quarterly of Modern Jurisprudence and Law, in the "For Writers" section at [http://www.jaml.ir/article\\_251235.html](http://www.jaml.ir/article_251235.html) .

---

\* Corresponding author [ahangarnejad.faezeh2020@gmail.com](mailto:ahangarnejad.faezeh2020@gmail.com)